



تنها ولیّ عصر(عج) و قرآن می‌توانند بشریت را نجات بدهند

آیت الله العظمی جوادی در پیامی به کنفرانس «امام مهدی منجی بشریت» در آمریکا

آیت الله العظمی جوادی در پیامی به کنفرانس «امام مهدی منجی بشریت» در آمریکا تنها ولیّ عصر(عج) و قرآن می‌توانند بشریت را نجات بدهند

اعتدال: دوازدهمین کنفرانس کنگره مسلمانان آمریکا (مسلم کانگرس) طی روزهای ۱۵ تا ۱۷ مرداد (۵ تا ۷ آگوست) با عنوان «امام مهدی منجی بشریت» در ایالت میشیگان آمریکا برگزار شد.

بر اساس این گزارش، امسال نیز این کنفرانس با پیام تصویری حضرت آیت الله جوادی آملی آغاز به کار کرده است. * متن پیام معظمله بدین شرح است:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

«الحمد لله ربّ العالمین و صلی الله علی جمیع الأنبیاء و المرسلین و الأئمة الهداة المهدیین سیّما خاتم الأنبیاء و خاتم الأوصیاء علیهما آلاف التحیّة و الثناء بهم نتولّی و من أعدائهم تنبّرء الی الله».

من مقدم شما نخبگان و فرهیختگان و منتظران وجود مبارک ولیّ عصر(ارواحنا فداه) را گرامی می‌دارم و از برگزارکنندگان این همایش و نشست وزین حق‌شناسی می‌کنیم و از همه کسانی که در ایراد مقال یا ارائه‌ی مقالت بر وزن علمی این همایش و نشست افزوده‌اند سپاسگزاریم، از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم که امر فرج ولیّ خود را تسریع بفرماید!

* عوامل احیای بشر

موضوع سخن موعود مُنتظر، نجات‌بخش جهان بشریت است؛ بشر اوّل باید زنده باشد، ثانیاً از جهل علمی برهد، عالم بشود، ثالثاً از جهالت عملی نجات پیدا کند، عاقل بشود، رابعاً و خامساً و درجات بعدی از ستم برهد، عادل بشود و از بردگی خود و دیگران نجات پیدا کند، آزاد بشود و از وابستگی به این و آن نجات پیدا کند، مستقل بشود و از گزند استثمار و استعمار و استحمار و استعباد و مانند آن نجات پیدا کند، نه کسی را به بردگی بکشد و نه برده کسی بشود و دهها فضائل دیگر که اینها عامل نجات بشریت است؛ همه این علل و عوامل را ذات اقدس الهی به وسیله قرآن و عترت اهل بیت(علیهم السلام) مشخص کرده است و انبیا را هم برای همین منظور فرستاده است که جامعه بشری را زنده کنند.

* انسان برای اینکه دارای حیات معقول و طیّب باشد، باید امام زمان خود را بشناسد

گاهی در یک جمله هدف والای دین را بازگو می‌کند که وجود مبارک ولیّ عصر(ارواحنا فداه) با ظهور خود آن هدف را عملی خواهد کرد؛ آن جمله به صورت متن است که گاهی به صورت شرح و تفصیل آن متن را گسترش می‌دهد. آن جمله‌ای که به صورت متن است در سوره مبارکه‌ی «انفال» آمده که فرمود: (اسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیْکُمْ) [1] و آنچه به صورت شرح آمده، در سایر سُور و آیات، مسئله‌ی علم را، عقل را، عدل را، آزادی را، رهائی از وابستگی به غیر خدا را، موخّذ ناب بودن را، صیانت از شرک و مانند آن را ذکر کرده است و اینکه در لسان ائمه(علیهم السلام) آمده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً» [2] یک پیام جهانی دارد؛ فرمود اگر کسی امام زمان خود را نشناسد مُرده است، یک؛ مرگش هم مرگ جاهلی است، دو؛ هم «کان» تامّه را از دست داد و هم «کان» ناقصه را؛ هم گرفتار سلب تامّ است و هم مبتلا به سلب ناقص؛ هم مرده است و هم مرگ او مرگ جاهلی است. برای اینکه زنده بشود اوّل و حیات او حیات معقول و طیّب و طاهر بشود ثانیاً، پس باید امام زمان خود را بشناسد، این مطلب اوّل.

* منظور از شناخت امامت، شناخت عصمت، ولایت، حجّیت و همتائی

با قرآن است

منظور از شناسائی، تنها شناسائی شناسنامه‌ای و تاریخی و سند و نسب و نسبت و سبب نیست، اینها لازم است ولی کافی نیست! عمده شناخت معنای امامت، معنای عصمت، معنای ولایت، معنای حجّیت، معنای وحی‌یابی و الهام‌پذیری، معنای همتائی با قرآن کریم و مانند آن است که اگر کسی امام و امامت را با این اصول و فروع یاد شده شناسد مرده است، اولاً؛ مرگ او هم مرگ جاهلی است ثانیاً؛ که اسفبار است! برای اینکه حیات پیدا کند اولاً؛ و حیات او هم حیات عقلانی و انسانی و الهی بشود ثانیاً، باید امامت را نه تنها امام، ولایت را نه تنها ولی، عصمت را نه تنها معصوم، حجّیت را نه تنها حجّت بشناسد، این یک بخش.

* اگر کسی قرآن را شناسد مرده در جهالت است
بخش دیگر اینکه همه این ذوات قدسی - اهل بیت(علیهم السلام) - فرمودند قرآن و عترت همتای هم هستند؛ فضیلتی که برای قرآن است، برای عترت(علیهم السلام) هم هست؛ منقبتی که برای عترت(علیهم السلام) است، برای قرآن هم هست.

* شناخت قرآن یعنی، شناخت وحی، نبوّت، تکلم الهی، ره‌آورد قرآن و محور اصلی قرآن
اگر کسی امام خود را شناسد مرده است اولاً، مرگ او هم مرگ جاهلی است ثانیاً. چون قرآن و عترت همتای هم می‌باشند، اگر کسی قرآن را شناسد مرده است اولاً، مرگ او هم مرگ جاهلی است ثانیاً و همان‌طوری که مقصود از معرفت امام شناخت شناسنامه‌ای نبود، بلکه شناخت عقلی و کلامی بود، مقصود از معرفت قرآن هم معرفت شناسنامه‌ای نیست که قرآن کتاب آسمانی است، از طرف خدا نازل شده، در لایله‌ی قدر نازل شده، 114 سوره دارد، چند هزار آیه دارد، بخش‌هایی از قرآن را کسی از حفظ کند و از بر کند اینها قرآن‌شناسی نیست؛ تا وحی را شناسد، رسالت را شناسد، نبوّت را شناسد، تکلم الهی را شناسد، ره‌آورد قرآن را شناسد و محور اصلی قرآن را نداند او قرآن را نشناخته است و «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».

* ولیّ عصر (عج) و قرآن می‌توانند بشریت را نجات بدهند
بنابراین وجود مبارک ولیّ عصر که همتای قرآن است و قرآن کریم که همتای انسان کامل است، اینها می‌توانند جامعه بشری را نجات بدهند؛ اگر در سوره «صف» فرمود: (هَلْ أَذْکُمُ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجِیْکُمْ) [3] ناظر به همین بخش‌های جهاد اصغر و اوسط و اکبر و مانند آن است.
* صفات منتظران راستین
در قرآن

مطلب بعدی آن است که منتظران راستین که نجات می‌یابند و دیگران را نجات می‌دهند چه گروهی هستند؟ منتظران راستین، بخش‌های وسیعی از اوصاف اینها به صورت شرح و تفصیل و بخش‌هایی از عصاره‌ی فضیلت اینها هم به صورت اجمال و متن در قرآن کریم آمده است؛ قرآن کریم از اینها به عنوان مجاهد، مهاجر، مؤمن، اهل نماز، اهل روزه، اهل حج، اهل خمس، اهل زکات و مانند این یاد کرد که اینها تفصیل آن مجمل و شرح آن متن است.

* فرق عاقل و عالم، با قائم به عقل و قائم علم
اما خود متن؛ فرمود کسانی به مقصد می‌رسند و مقصود را در مقصد مشاهده می‌کنند که فرمود: (لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)، [4] (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)؛ [5] فرمود عالم به مقصد برسد دشوار است، عاقل به مقصد برسد دشوار است، هر عالمی به مقصد نمی‌رسد و هر عاقلی به مقصد نمی‌رسد؛ نفرمود علما به مقصد می‌رسند، نفرمود عقلا به مقصد می‌رسند؛ فرمود: (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)؛ (لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)؛ ما نژاد و قومی در شرق و غرب عالم به نام قوم عالم و قوم عاقل نداریم! این تازی و فارسی نیست که نژاد باشد و قوم داشته باشد! این لُر، ترک، بلوچ و مانند آن نیست که جزء اقوام باشد، مثلاً اقوام آریائی باشد یا اقوام کذا و کذا باشد! ما در تمام کره‌ی زمین قوم عاقل و قوم عالم نداریم، این قوم به معنای نژاد و شناسنامه و مانند آن نیست. این (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)، این (لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ)، [6] این (لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) [7] و این (لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) که در قرآن آمده است، یعنی مردان و زنان زنده که قائم به عقل باشند، نه عاقل! قائم به علم باشند، نه عالم! وجود مبارک حضرت که جهان را اصلاح می‌کند، چون قائم «بالعقل و العدل» است! پس صرف عالم بودن کافی نیست! صرف عاقل بودن کافی نیست! تا قیام نکند به علم و قیام نکند به عقل، نه مشکل خود را حلّ می‌کند و نه «علّ جامعه» [8] را از گردن دیگران بر می‌دارد.

* رسول گرامی(ص) قائم «بالعقل» و «بالعلم» بود
اگر رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) (يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) [9] بود، چون قوم عاقل بود؛ یعنی قائم «بالعقل» و «بالعلم» بود! وجود مبارک حضرت حجّت(صلوات الله و سلامه علیه) چون به عقل قیام می‌کند، به علم قیام می‌کند، به عدل و قسط قیام می‌کند، به توحید و وحی و نبوّت قیام می‌کند، جامعه را از خواب بودن بیدار می‌کند، از مُستقلّی [10] بودن می‌نشانند، از نشسته به نیم‌خیز درمی‌آورد، از نیم‌خیز اینها را ایستا و قائم می‌کند که (لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) [11] می‌شوند، جامعه ایستاده و مقاوم جامعه نجات‌یافته است.

* قائم به قسط بودن کافی نیست، قوام به قسط باشید

او چون قائم به عقل است، نه زیر بار کسی می‌رود و نه کسی را به زیر بار می‌آورد، نه بیهوده سخن می‌گوید و نه بیهوده را می‌شنود! (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)، گاهی کار به قدری مهم است که عادل بودن هم کافی نیست، قائم به قسط بودن هم کافی نیست، فرمود: قوام به قسط باشید. [12] آنها که مثل امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) جزء یاران حضرت هستند، او قائم به قسط است، یک؛ در مواقع خطر قوام به قسط است، دو؛ سیصد و اندی اصحاب مانند امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) دارد، اگر یک ولی‌ای در جهان ظهور کرد و بیش از سیصد یار مثل امام راحل داشت و جامعه بشری را به عقل و علم قائم کرد، این جامعه نجات پیدا می‌کند. مستحضرید که در زمان حضور و ظهور آن ولی مطلق الهی، عقل مردم بالا می‌آید، اصلاح جامعه‌ی عاقل دشوار نیست!

* نشانه منتظر، قائم بودن به عقل و عدل و علم و فکر و ایمان است

ذات اقدس الهی دست عنایت را روی رؤس مردم می‌کشد که به برکت ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه) عقل مردم بالا می‌آید، اداره جامعه عاقل سخت نیست! آن‌گاه به حکم نبوی عمل می‌کند که «إِنَّمَا أَقْضَىٰ بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ»، [13] از این‌جا معنای انتظار منطبع می‌شود؛ آن کس که عالم است زمینه انتظار را دارد، ولی آن کس که قائم «بالعلم» است مُتَنَظِّر است؛ آن کسی که عاقل است زمینه انتظار را دارد، ولی آن کسی که قائم «بالعقل» است مُتَنَظِّر است. البته ادعیه، اذکار و اوراد، همه اینها زمینه است، وسیله است و عبادت است و لازم، اما قیام به عقل، قیام به عدل، قیام به علم، قیام به قسط، قیام به فکر و قیام به ایمان نشانه منتظران است.